

چیزهای شگفت‌انگیز از کلامت

مزمور ۱۱۹:۱۸

چشمان مرا بگشا تا از شریعت تو چیزهای عجیب بینم.

نیاز شدید ما به روشنگری خدا

این آیه گویای سه نکته است: ۱) در کلام خدا، چیزهای شگفت‌انگیزی وجود دارد؛ ۲) بدون یاری و مدد خدا از اعلا هیچ‌کس قادر نیست واقعیت این چیزهای شگفت‌انگیز را مشاهده کند؛ ۳) بنابراین، وقتی کتاب مقدس را می‌خوانیم، باید به درگاه خدا دعا کنیم تا از اعلا به ما روشنگری بخشد.

برای اینکه بتوانیم امور روحانی را مشاهده کنیم به شدت نیازمندیم که خدا ما را از اعلا روشنگری بخشد تا جلال و زیبایی و کمال خدا را مشاهده نماییم. حتی اگر خدا چشم دلتان را نگشوده باشد، باز هم به هنگام خواندن کلام خدا می‌توانید چیزهای بسیاری را مشاهده کنید، می‌توانید واژگان و نکات دستور زبان را به چشم خود ببینید، می‌توانید ارتباطات منطقی را و واقعیت‌های تاریخی و قصد و نیت نویسنده را مشاهده کنید، همان‌طور که قادر خواهید بود عواطف و احساسات انسانی را مشاهده نمایید. برای مشاهده هیچ‌یک از اینها لازم نیست خدا چشمان شما را به طریقی خاص و روحانی بگشاید.

اما آنچه قادر به دیدنش نیستید زیبایی روحانی خدا و پسرش و کارشان در دنیا است. شما قادر نیستید این را ببینید که تنها خدا است که باید بیش از هر چیز دیگر، بی‌نهایت، خواستارش باشیم. یک نابینا قادر به دیدن خورشید نیست، اما می‌تواند از واقعیت‌های بسیاری درباره خورشید بااطلاع باشد و نسبت به شخصی بینا در آزمون ستاره‌شناسی نمره بالاتری کسب کند. دانستن درباره موضوعی با دانستنی که از مشاهده حاصل می‌شود یکی نیست. چشیدن عسل یک چیز است و اینکه فقط بدانیم عسل شیرین است چیز دیگری است.

به نوشته‌های پولس مراجعه کنیم که وضعیت ما را به کامل‌ترین شکل توصیف می‌نماید و توضیح می‌دهد ما بدون روشنگری خاص و نجات‌بخش خدا در چه وضعیتی به سر می‌بریم. در رساله افسسیان ۴:۱۷-۱۸، او در مورد وضعیت انسان به پنج مشخصه هولناک اشاره می‌کند. با توجه به این وضعیت، اگر طالب دیدن واقعیت‌های روحانی هستیم، باید مداخله الهی در کار باشد. پولس می‌گوید امتها (به بیان دیگر، مردم عادی جهان، از همه قومها و ملتها، که از فیض جدا هستند) «در بطالت ذهن خود رفتار می‌نمایند که در عقل خود تاریک هستند و از حیات خدا محروم، به سبب جهالتی که به جهت سخت‌دلی ایشان در ایشان است.» اگر این جمله را از آخر به اول نگاه کنیم، می‌توانیم بگوییم که در همه ما، جدا از فیض توانمند خدا، سخت‌دلی وجود دارد که به جهالت ختم می‌گردد و جهالتی که به بیگانگی با خدا منجر می‌گردد و این بیگانگی به ظلمت ختم می‌شود، ظلمتی که به دانش و آگاهی و زندگی باطل منتها می‌شود.

اگر برای دیدن چیزهای شگفت‌انگیز در کلام خدا آمیدی وجود داشته باشد، آن امید این است که ما باید از ظرفیتی الهی و مافوق طبیعی برخوردار باشیم، ظرفیتی که خدا باید آن را عطا نماید، چرا که ما ذاتاً از آن بهره‌مند نیستیم. بنابراین، باید برای این مهم دعا کنیم – «چشمان مرا بگشا» و اگر بخواهیم در خدا زنده بمانیم و محبتمان برای او اصیل و واقعی و آتشین باشد، به شدت نیازمندیم که هر روز خدا چشمانمان را بگشاید. پس دعا کنید و دعا کنید و دعا کنید. مزمور ۱۱۹ را بخوانید و ببینید که مزمورنویس برای شناخت خدا و طریقه‌های او چندین مرتبه دعا می‌کند و یاری الهی می‌طلبد.

دیدن شدن است

اکنون، قصد دارم به نکته‌ای متفاوت اشاره کنم. ولی، پیش از آن، می‌خواهم مطمئن شوم که دلیل اهمیت آن را درک می‌نمایید. این نکته مهم است، چرا که به شباهت عیسی درآمدن زمانی میسر است که زیبایی و ارزش و کمال خدا و پسرش و کلام و طریقه‌ایشان را ببینیم. پولس در رسالهٔ دوم قرنتیان ۱۸:۳ می‌گوید: «لیکن همهٔ ما چون با چهرهٔ بی‌نقاب جلال خداوند را در آینه می‌نگریم، از جلال تا جلال، به همان صورت، متبدل می‌شویم، چنان که از خداوند که روح است.» دیدن شدن است.

تنها راه تغییر رفتار مسیحیان دیدن است و بدین‌گونه است که خدا حرمت نهاده می‌شود. ما تغییر می‌کنیم، زیرا برترین زیبایی و ارزش و کمال را مشاهده نموده‌ایم. اگر به چهرهٔ مسیح می‌نگرید و سپس به مجله‌ای ورزشی یا مجلهٔ مد و زیبایی نگاه می‌کنید و مجذوب زیبایی و ارزش و کمال برتر مسیح نمی‌گردید و او دلخواهتان نیست، پس هنوز سخت‌دل و کور هستید و در بطالت ذهنتان گرفتارید. باید فریاد و فغان سر دهید که «چشمان مرا بگشا تا از کلام تو چیزهای عجیب بینم!» و سپس زندگی شما نمودار آنچه دیده‌اید خواهد بود. گنج شما – اشتیاق شما، وجد و شادی شما، زیبایی شما – هر جا که هست دل شما نیز همان جا خواهد بود و اوقات فراغتتان و آخر هفته‌تان و پول شما نیز در همان جا صرف خواهد شد. با دیدن جلال خدا در کلام خدا است که تبدیل می‌شویم. اگر درخشش و جلال دنیا به نظرتان پر جلال‌تر و گیراتر از جلال خدا است، پس خدا را ندیده‌اید. رسالهٔ سوم یوحنا ۱۱ می‌فرماید: «بدکردار خدا را ندیده است» (اول یوحنا ۶:۳ را نیز مشاهده نمایید).

از این‌رو، همهٔ نکاتی که بدان اشاره نمودیم مهم هستند، چرا که همهٔ آن تبدیل واقعی، که زندگی را تغییر می‌دهد و خدا را حرمت می‌نهد و ارزش روحانی برخوردار است، از دیدن جلال خدا سرچشمه می‌گیرد، نه اینکه فهرستی از رفتار و سلوک مذهبی تهیه نماییم و سعی کنیم آنها را تقلید نماییم.

خدا از طریق کلامش زیبایی مسیح را مکشوف می‌نماید

نکته این است: خدا زیبایی و کمال مسیح را فقط به آنانی نشان می‌دهد که به کلامش توجه دارند. به همین دلیل است که تغییر روحانی و راستین از خواندن و تعمق نمودن و به حافظه سپردن کتاب مقدس صورت می‌گیرد. این تغییر بدان دلیل نیست که شما قواعدی را می‌آموزید که بدانید چگونه باید اطاعت کنید، بلکه دلیلش این است که کتاب مقدس آن جایی است که خداوند زیبایی و کمال مسیح را در آن مکشوف می‌نماید.

بگذارید این نکته را واضح‌تر توضیح دهم. فرض کنید شما این را می‌دانید که «برای تغییر کردن باید جلال خدا را ببینیم، اما، به خاطر اینکه مرده و سخت‌دل و کوریم، قادر به دیدن جلال او نیستیم. بنابراین، باید به درگاه خدا دعا کنیم تا ما را زنده و دل‌مان را نرم سازد و چشمانمان را بگشاید.» فرض کنید نتیجه‌گیری شما چنین بوده است: «بسیار خوب، پس باید خود را وقف دعا کنم نه وقف مطالعه یا خواندن یا به خاطر سپردن کتاب مقدس، چرا که انسان صرفاً با دیدن و استدلال نمودن نمی‌تواند آنچه را واقعاً باید دیده شود مشاهده نماید.» باید گفت این یک نتیجه‌گیری بسیار بد است.

نکته اینجا است: خدا زمانی چشم نابینا را می‌گشاید تا جلال خدا را در کلامش ببیند که آن نابینا به کلام روی آورده باشد. فرض کنید قصد دارید شکوه منطقه‌ای بسیار زیبا را مشاهده کنید، اما نابینا هستید. حال، فرض که خدا به شما بگوید: «مرا بخوان و بیا و به درگاه من دعا کن و من چشمان تو را می‌گشایم تا شکوه این منطقه را مشاهده کنی.» آیا شما برای دعا کردن به منطقه‌ای دیگر می‌روید؟ یا اینکه از همهٔ توان و احساساتی که خدا به شما داده است استفاده می‌کنید تا به آن منطقهٔ باشکوه برسید و به سوی آنچه خدا وعده داده است

چشم بدوزید؟ منظور من این است که اگر اصرار داشته باشید در جای دیگری به جز آن منطقه زیبا بایستید، هر چقدر هم دعا کنید، خدا شکوه آن منطقه زیبا را به شما نشان نخواهد داد.

منظورم را به شکل دیگری بیان می‌کنم. خدا این‌گونه مقرر نموده که کار روحش، که گشودن چشم است، همواره با کار کلامش، که آگاه ساختن ذهن است، دوشادوش باشند. هدف خدا این است که ما جلال پسرش را بنگریم و (تبدیل شویم). پس وقتی به پسر می‌نگریم، خدا چشم ما را می‌گشاید نه وقتی که به سریالهای تلویزیونی و حراجیها چشم می‌دوزیم. روش خدا در مکاشفه از خودش، مکاشفه‌ای که راستین و روحانی است، به این شکل می‌باشد که روح‌القدس و کلام خدا همواره در کنار هم عمل کنند. کار روح‌القدس این است که جلال و زیبایی و ارزش آنچه ذهن ما در کلام می‌بیند نشان دهد.

نباید اشتباه کنیم و چنین پنداریم که قرار است روح‌القدس به ما اطلاعات تازه‌ای بدهد. ما هم‌اکنون نیز هزاران مرتبه بیش از آنچه فکر کنیم درباره خدا در کتاب‌مقدس اطلاعات داریم، حتی بیش از میزانی که بتوانیم به ژرفایشان برویم و یا از آنها بهره‌مند گردیم. آنچه نیاز داریم این است که با چشم دل‌مان ببینیم! هر اطلاعاتی هم که روح‌القدس به ما بیفزاید تا مسیح را در کلامش ببینیم، ما را نه یک مثال روحانی‌تر می‌کند نه یک ذره کاری می‌کند که باعث خشنودی خدا شویم.

فرض کنید روح‌القدس این اطلاعات تازه را بر شما مکشوف سازد که قرار است دوست نازای شما باردار شود. شما این را به دوست خود می‌گویید و چه اتفاقی می‌افتد؟ او و شما از معجزه این نبوت و بارداری بسیار به هیجان می‌آید. ولی از نظر روحانی چه سودی برایتان داشته است؟ هیچ سودی، مگر اینکه به کلام مراجعه کنید و با چشم دلتان جلال و زیبایی مسیح را بنگرید که در کتاب‌مقدس به تصویر کشیده شده است: عیسی ناصری که مصلوب گشت و از مردگان برخاست تا گناهکاران را نجات بخشد و خدایی را جلال دهد که شما را چنین برکتی داده است. وقتی معجزه‌ای به وقوع می‌پیوندد، طبیعی است که شور و هیجانی را در پی دارد، ولی الزاماً از بُعد روحانی یا ماورای طبیعی برخوردار نیست. عطایای روح‌القدس ارزشمندند، اما، بی‌نهایت مهم‌تر از آنها، روشنگری روح‌القدس است که چشم را می‌گشاید تا جلال مسیح را در کلام مشاهده نماییم.

ما به اطلاعاتی تازه احتیاج نداریم. آنچه نیازمندیم چشمانی تازه برای دیدن چیزی است که در کلام خدا برایمان مکشوف گشته است. چشمان مرا بگشا تا از شریعت تو چیزهای عجیب بینم!

دعا نکنید و بی‌تأمل بگذرید

بباید به ماحصل این نکته توجه کنیم.

نخست اینکه، وقتی برای چشمانی بینا دعا می‌کنید، ذهنتان را روی دنده خلاص نگذارید. بر این باور نباشید که چون دعا حیاتی است، به این معنا است که تمرکز و تأمل بر کلام خدا ضرورت ندارد. وقتی دعا می‌کنید که جلال مسیح را ببینید، نگذارید ذهنتان به بیراهه رود و هر کجا سرک کشد و نه اینکه فقط منتظر بنشینید و هیچ‌کاری نکنید، چرا که این اشتباهی عظیم است که در طرز فکر ادیان شرقی ریشه دارد و از کتاب‌مقدس نیست. آنچه مسیحیت را منحصر به فرد می‌سازد این است که مسیحیت دقیق است و ریشه در تاریخ دارد. عیسی خارج از بُعد زمان و مکان زندگی نکرد. هدف خدا این است که چشمانتان را بگشاید تا زیبایی روحانی و ارزش این انسان خاص را به همان شکل که در کلام خدا مکشوف است مشاهده نمایید. اگر برای این دیدن دعا کنیم، ولی ذهنتان را از آن منحرف سازیم، آن زیبایی و ارزش را نخواهیم دید. پس صرفاً دعا نکنید و بی‌تأمل بگذرید.

پس چکار کنیم؟

۱. دعا کنید و بخوانید

کلام را بخوانید. چه افتخاری و چه تعهدی! و چه زمينه‌ای برای دیدن خدا! به رسالهٔ افسسیان ۳:۳-۴ مراجعه کنید که پولس می‌نویسد: «این سرّ از راه کشف بر من اعلام شد، چنان که مختصراً پیش نوشتم و از مطالعهٔ آن می‌توانید ادراک مرا در سرّ مسیح بفهمید.» وقتی که می‌خوانید! خدا اراده نمود عظیم‌ترین اسرار زندگی از طریق خواندن آشکار گردد.

سپس این آیات را با فصل ۱۸:۱ از همان رساله مقایسه نمایید که پولس می‌گوید: «تا چشمان دل شما روشن گشته بدانید که امید دعوت او چیست.» بنابراین، افسسیان ۴:۳ می‌فرماید سرّ با خواندن آشکار می‌گردد و افسسیان ۱۸:۱ می‌فرماید برای اینکه از آنچه لازم به دانستن است آگاه گردیم، باید که خدا در جواب دعای ما چشمانمان را بگشاید. بله، باید دعا کنیم. بله، ما بدون یاری خدا کور هستیم. اما نکته این است که ما باید بخوانیم.

«از مطالعهٔ آن می‌توانید ادراک مرا در سرّ مسیح بفهمید.» دعا نمی‌تواند جایگزین خواندن گردد. شاید که دعا باعث شود وقتی می‌خوانیم بتوانیم ببینیم. ولی اگر نخوانیم، نخواهیم دید. روح‌القدس آمد تا عیسی را جلال دهد و جلال عیسی در کلام خدا به تصویر کشیده شده است. کلام خدا را بخوانید و از این شادی کنید که قادر به خواندن هستید.

۲. دعا کنید و مطالعه نمایید

رسالهٔ دوم تیموتائوس ۱۵:۲: «و سعی کن که خود را مقبول خدا سازی، عاملی که خجل نشود و کلام خدا را به خوبی انجام دهد.» خدا دربارهٔ خودش کتابی به ما داده است تا نه اینکه ما به عادت سابق کتاب‌خوانی آن را سر به هوا و بی‌دقت مطالعه نماییم. پولس می‌گوید: «سعی کن که . . . کلام خدا را به خوبی انجام [دهی].» این بدان معنا است که اگر می‌خواهید از کلام خدا بیشترین بهره را ببرید، باید در خواندنش کوشا باشید.

آونگ ساعت هم به جلو هم به عقب حرکت می‌کند. برخی معتقدند باید دعا کرد و دعا کرد و به مطالعه، که عملی انسانی و غیر روحانی است، متکی نبود. برخی دیگر معتقدند باید مطالعه کرد و مطالعه کرد، چرا که خدا معنای آنچه مطالعه می‌کنیم در دعا نخواهد گشود. ولی کتاب مقدس جایی برای این دوگانگی نمی‌گذارد. ما باید مطالعه کنیم و به دقت به کلام خدا بپردازیم و باید دعا کنیم، چرا که بدون دعا آنچه ضروری است در کلام خدا مشاهده نخواهیم کرد، یعنی جلال خدا در چهرهٔ مسیح را در کلام خدا مشاهده نخواهیم کرد (دوم قرن‌تیان ۴:۴، ۶).

بنجامین ورفیلد، یکی از برجسته‌ترین دانش‌آموختگان کتاب مقدس، در سال ۱۹۱۱ می‌نویسد: «گاه، می‌شنویم که گفته می‌شود اگر ده دقیقه زانو زنی و دعا کنید، به شناختی حقیقی‌تر، عمیق‌تر، و موثرتر از خدا دست می‌یابید تا اینکه ده ساعت به مطالعهٔ کتاب‌هایتان بپردازید. چی؟! چه پاسخی از این مناسب‌تر که «ده ساعت مطالعه همراه با دعا» («زندگی مذهبی دانشجویان الهیات»، تألیف: مارک نول، الهیات پرینستون، [انتشارات کتابخانهٔ بیکر، ۱۹۸۳]، صفحهٔ ۲۶۳). کتاب مقدس نیز همین دیدگاه را تأیید می‌کند. بله، باید دعا کنیم. اگر خدا چشمان ما را نگشاید، آن چیزهای شگفت‌انگیز را در کلامش مشاهده نخواهیم کرد. اما دعا نمی‌تواند جایگزین مطالعه گردد، زیرا پولس می‌گوید: «سعی کن - مطالعه کن - تا کلام خدا را به خوبی انجام دهی.»

۳. دعا کنید و تفتیش نمایید

نگرش ما به کتاب مقدس باید مانند شخص پول دوستی باشد که تب و تاب طلا دارد و به جستجوی آن می‌شتابد و یا مانند کسی که انگشتر نامزدی‌اش را گم کرده است و برای یافتنش خانه را کندوکاو می‌نماید. ما نیز باید به همین شکل خدا را در کتاب مقدس بجوییم.

ای پسر من! اگر سخنان مرا قبول می‌نمودی و اوامر مرا نزد خود نگاه می‌داشتی تا گوش خود را به حکمت فراگیری و دل خود را به فطانت مایل گردانی. اگر فهم را دعوت می‌کردی و آواز خود را به فطانت بلند می‌نمودی، اگر آن را مثل نقره می‌طلبیدی و مانند خزانه‌های مخفی جستجو می‌کردی، آن‌گاه، ترس خداوند را می‌فهمیدی و معرفت خدا را حاصل می‌نمودی. زیرا خداوند حکمت را می‌بخشد و از دهان وی معرفت و فطانت صادر می‌شود.

قبول نمایید، نگاه دارید، گوش بگیرید، دل خود را مایل گردانید، دعوت کنید، آواز خود را بلند نمایید، بجویید گویی در پی نقره هستید، گویی خزانه‌های مخفی را جستجو می‌نمایید. این است تفتیش به تمام معنا و تمام قوای کتاب مقدس. اگر در کلام خدا گنجی نهان است، آن را بدان گونه تفتیش کنید که گویی در پی آن گنج هستید و اگر در آن نقره وجود دارد، آن نقره را بجویید. حتماً دعا کنید (همان‌طور که آیه ۳ می‌فرماید)، ولی برای این کاوش دعا را جایگزین نکنید. خدا این‌گونه مقرر نموده تا به آن کسانی عطا نماید که به تمامی دلشان جستجو می‌کنند (ارمیا ۲۹:۱۳).

۴. دعا کنید و تفکر نمایید

رساله دوم تیموتائوس ۲:۷ را ملاحظه نمایید: «در آنچه می‌گویم تفکر کن، زیرا خداوند تو را در همه چیز فهم خواهد بخشید.» در اصل، چنین می‌گوید: «به چیزی که می‌گویم فکر کن.» آیا این بدان معنا است که می‌توان تعالیم پولس را صرفاً به همت تفکر و بینش انسانی درک نمود؟ خیر. انتهای آیه چنین می‌فرماید: «خداوند تو را فهم خواهد بخشید.» شما با قدرت خودتان قادر به دیدن نیستید. ادراک روحانی هدیه خدا است.

اما خدا مقرر نموده است که از طریق تفکر نمودن درک و بینشی ماورای طبیعی به شما عطا کند. «در آنچه می‌گویم تفکر کن، زیرا خداوند تو را در همه چیز فهم خواهد بخشید.» پس حتماً دعا کنید و از خدا بخواهید تا درک و بینش لازم را به شما عطا نماید. اما تفکر را جانشین دعا نکنید. تفکر کنید و دعا کنید. دعا کنید و تفکر نمایید. این روشی است که خدا معین نموده است. ما با مسیح که ریشه در تاریخ دارد روبه‌رو هستیم و با کتابی که مکاشفه الهی است و کتابی پایدار و ماندگار. همه حرف این است: بخوانید و مطالعه نمایید و تفتیش کنید و تفکر نمایید. اما، بدون دعا، همه اینها بی‌ثمرند. هر دو با هم نه فقط یکی از آنها.

۵. دعا کنید و سخن گوید

خدا کلام مکتوبش را منظور داشته است تا کلامی گویا گردد و در موعظه نمودن و مشورت دادن و نصیحت و توبیخ و هشدار و تشویق قومش به کار آید. رساله کولسیان ۳:۱۶ می‌فرماید: «کلام مسیح در شما [یا در میان شما] به دولتمندی و به کمال حکمت ساکن بشود و یکدیگر را تعلیم و نصیحت کنید.» کلام مسیح به ما کلام ما به یکدیگر می‌گردد.

من کلام خدا را موعظه می‌کنم. اراده خدا این است که کلامش بارها و بارها از نو اعلام گردد. شما نیز با یکدیگر از کلام خدا سخن می‌گویید. یکی از اصلی‌ترین دلایل وجود گروه‌های کوچک در کلیسا این است که کلام خدا به ما گفته شود و ما نیز آن کلام را با یکدیگر در میان بگذاریم. با هم از کلام خدا سخن گوئید.

آیا این بدان معنا است که آن لحظه‌هایی که از کلام خدا سخن می‌گوییم نباید دعا کنیم؟ آیا این بدان معنا است که چون با اعتقادی راسخ و گفتاری متقاعدکننده یا سخنانی خلاقانه کلام خدا را بیان می‌کنیم می‌توانیم چشم دل را بگشاییم تا چیزهای شگفت‌انگیز از کلام خدا را مشاهده نماییم؟ پولس این را تعلیم نمی‌دهد. او در همان کتاب (کولسیان ۱:۹-۱۰) دعا می‌کند - او دعا می‌کند! «بازنمی‌ایستیم از دعا کردن برای شما و مسألت نمودن تا از کمال معرفت اراده او در هر حکمت و فهم روحانی پر شوید . . . به معرفت کامل خدا نمو کنید.»

اگر زمانی که کلام مسیح به دولتمندی در میان ما ساکن می‌گردید، شناخت خدا و حکمت و فهم روحانی نیز به طور خودکار پدیدار می‌گشتند، دیگر احتیاج نبود پولس این چنین جدی و مصمم دعا کند تا خدا آن حکمت و فهم روحانی را به ما عطا نماید.

کلام و دعا با هم

بنابراین، بارها و بارها مشاهده کرده‌ایم که اگر بخواهیم جلال خدا را در کلام خدا ببینیم لازم و ضروری است که دعا کنیم. اما این را هم متوجه شده‌ایم که خواندن و مطالعه کلام و تفتیش و تفکر در آن و سخن گفتن از آن نیز لازم و ضروری است. خدا این گونه مقرر نموده که کار روحش، که گشودن چشم است، با کار کلامش، که آگاه ساختن ذهن است، دوشادوش باشند. هدف خدا این است که ما جلال خدا را ببینیم و جلال خدا را بازتاب دهیم. پس زمانی که در کلام خدا به جستجوی جلال خدا می‌پردازیم، او چشمان ما را می‌گشاید.

بخوانید، مطالعه نمایید، تفتیش کنید، تفکر نمایید، سخن گوئید، گوش دهید و دعا کنید. «چشمان مرا بگشا تا از کلام تو چیزهای عجیب بینم».

(برای تفکر و تأمل بیشتر، این آیات را نیز مشاهده نمایید: لوقا ۴۵:۲۵؛ اعمال رسولان ۱۴:۱۶؛ دوم پادشاهان ۱۷:۶؛ متی ۱۷:۱۶؛ ۱۱:۲-۶؛ ۲۷:۱۱).

جان پای‌پر